

شبیه ابداع ولایت مطلقه فقیه توسط امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با نگاهی بر اندیشه‌ی فقهای شیعه در دو قرن اخیر

سید محمد مهدی پوریزدان پرست^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

چکیده

یکی از شبیهات امروزی افواه عمومی ابداع نظریه ولایت مطلقه فقیه توسط امام خمینی رحمت‌الله‌علیه است که توسط چهره‌های یک جریان خاص سیاسی مطرح و تبلیغ می‌شود. این ایده با توجه به شاذ و بدیع بودن خود واکنش‌های متعددی را برانگیخت. و چندین مطلب در روزنامه‌ها و مقالات متعدد علمی در پاسخ به این نظر منتشر شد. اما بنظر می‌رسد علی‌رغم شباهت‌ها، مطالب دیگر، تمرکز اساسی و تفصیلی بر سابقه تاریخی نظریه ولایت فقیه نداشته‌اند. این مقاله سعی دارد با بررسی نظرات مختلف در باب ابداع ولایت مطلقه فقیه توسط امام خمینی رحمت‌الله‌علیه این ایده را در آزمونی علمی و تاریخی بسنجد و به نتیجه درستی یا نادرستی آن پی ببرد. از این رو، پس از طرح نظرات طراحان و مبلغین این ایده، به بررسی تاریخی پیشینه نظری و عملی در زمینه ولایت فقیه در اندیشه‌ی فقهای شیعی در دو قرن اخیر می‌پردازد. سپس با بررسی شواهد و داده‌های موجود درستی این ادعا را سنجش می‌کند.

کلید واژه‌ها: ولایت مطلقه فقیه، امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، فقهای شیعه، عصر معاصر.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

پوریزدان پرست، سید محمد مهدی (زمستان ۱۴۰۳). «شبیه ابداع ولایت مطلقه فقیه توسط امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با نگاهی بر اندیشه‌ی فقهای شیعه در دو قرن اخیر». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۸، صص ۴۳-۷۲.

^۱. دانشجوی دکترای تاریخ تشیع، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

ایمیل: smmpyp@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

از شبیهاتی که امروزه در افواه عمومی در باب پیشینه ولایت فقیه مطرح می‌شود این است که نظریه‌ی ولایت فقیه توسط امام خمینی رحمته‌الله‌علیه مطرح و اجرا شد و سابقه دیگری در تاریخ اسلام و تشیع ندارد. من جمله از صریح‌ترین مطالب در این مورد توسط یوسفی اشکوری در دائره المعارف تشیع مطرح شده است او معتقد است:

«در سال ۱۳۴۸ ش امام خمینی رحمته‌الله‌علیه (۱۳۲۰ ق - ۱۳۶۸ ش) نظریه‌ی ولایت فقیه را مطرح کرد و برای نخستین بار پیشنهاد کرد که برای تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین شرعی، فقیهان شخصاً حکومت را به دست گیرند... البته نظریه‌ی ولایت فقیه، که بعدها به ولایت مطلقه‌ی فقیه تحول یافت، نه تنها با نظریه‌ی نائینی بلکه با نظریات دیگر فقیهان شیعی از آغاز تاکنون نیز متفاوت و در برخی زمینه‌ها کاملاً بی‌سابقه و حتی با نظریات پیشین خود ایشان نیز فرق دارد. درست است که از سده‌ی چهارم هجری، نظریه‌ی «نیابت عام فقها» مطرح و به تدریج مقبولیت یافت و ایشان به استناد همین نیابت کم و بیش از اقتدار سیاسی و اجتماعی برخوردار بوده‌اند، اما هرگز (به استثنای شهید اول) خود مدعی تأسیس حکومت شرعی نبوده و در این راه کوشش جدی نیز نشان ندادند» (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۱).

یا «عماد الدین باقی» می‌گوید:

«در این مقطع زمانی (حضور امام در پاریس) هیچ‌گونه بحثی درباره ولایت فقیه و مجلس خبرگان مطرح نبود. بحث ولایت فقیه زمانی مطرح شد که حضرت امام رحمته‌الله‌علیه در نجف اشرف حضور داشتند. ... نظریه ولایت فقیه یکی از ابداعات نظام جمهوری اسلامی است. نظریه ولایت فقیه در فقه اسلامی محدوده کوچکی در نظر گرفته شده بود. با این وجود مرحوم نراقی محدوده ولایت فقیه را توسعه داد و پس از ایشان حضرت امام رحمته‌الله‌علیه نظریات سیاسی را به آن اضافه کردند و شکل اجرایی به آن دادند. در نتیجه مساله ولایت فقیه که در جمهوری اسلامی شکل گرفت پیشینه زیادی در فقه اسلامی نداشت» (باقی، ۱۳۹۴، روزنامه آرمان امروز).

و یا سیدضیاء مرتضوی ادعا می‌کند:

«هیچ یک از فقها، حتی کسانی مانند فقیه بزرگ، شیخ محمدحسن نجفی، معروف به صاحب جواهر که عنایت ویژه‌ای به این نظریه دارد، آن را در سطحی که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه مطرح کرده بیان نکرده‌اند» (مرتضوی، ۱۳۹۱، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی).

جدای از آقای مرتضوی، کسان دیگری نیز گفته‌اند:

«ولایت فقیه قرائت شخص خمینی است و پشتوانه‌ی دینی و مذهبی ندارد» (ساشادینا، ۱۳۷۶:

این سخنان که بازتاب رسانه‌ای می‌گیرند در افکار عمومی این شبهه را تبلیغ می‌کند که ولایت فقیه ابداع امام خمینی رحمت‌الله‌علیه است و سابقه دیگری در تفکر اندیشه سیاسی تشیع ندارد. به این ترتیب، پژوهش به منظور آزمودن فرضیه‌های مطروحه در این ادعا شکل گرفت. فرضیه‌هایی که درصدد آزمودن آنها برآمده‌ایم عبارتند از:

۱- آیا نظریه ولایت فقیه مربوط به امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بوده و سابقه دیگری (حداقل در دو قرن اخیر) ندارد؟

۲- آیا برای نخستین بار پیشنهاد تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین شرعی و بدست گرفتن حکومت توسط خود فقها توسط امام خمینی رحمت‌الله‌علیه ارائه شد؟ آیا (به استثنای شهید اول) که خود مدعی تأسیس حکومت شرعی بوده، هیچ فرد دیگری بدنبال تشکیل و اداره‌ی حکومت توسط خود فقها نبوده است؟

۳- آیا نظریه‌ی ولایت فقیه (امام خمینی)، که بعدها به «ولایت مطلقه‌ی فقیه» تحول یافت، نه تنها با نظریه‌ی نائینی بلکه با نظریات دیگر فقیهان شیعی از آغاز تاکنون نیز متفاوت است؟
از این‌رو این مقاله می‌کوشد به بررسی ادعاهای بالا در میان نظرات اندیشمندان در بازه‌ی زمانی دو قرن اخیر در باب ولایت فقیه پیش از امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بپردازد.

۲. ولایت فقیه و پیشینه‌ی آن

ولایت فقیه نظریه‌ای در فقه شیعه است که طبق آن در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی حکومت اسلام برعهده‌ی فقیه جامع شرایط است. این مفهوم در خلال مباحث مختلف در هر عصر و زمان و در متون مختلف با نام و عنوان متفاوتی شناخته شده است. پس از شروع غیبت، به‌دلیل در اقلیت بودن شیعیان و ناتوانی و ناامیدی از برپایی حکومت شیعی، فقها کمتر به مسئله ولایت فقیه جامع شرایط بصورت مستقل توجه نموده‌اند و مسائل آن بیشتر، به‌اختصار در کنار فروع فقهی مطرح شده است. اما مفهوم این نظریه که فقیه در دوران غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی ولایت دارد و می‌تواند در تمام امور مرتبط با ولایت تصرف کند، امری است که در قدیمی‌ترین آثار موجود در این زمینه آورده شده است.

این مفهوم زمانی در ذیل تعبیری چون «الاحکام السلطانیه»، «تنفیذ الاحکام»، «القضایا و الاحکام»، «السیاسات الشرعیه»، «فقه سیاسی» و «فقه حکومتی» مطرح شده. اما اصطلاح «ولایت فقیه» عبارتی است که توسط متأخران فقاقت در اصطلاحات شیعه جهت اشاره به این مفهوم به کار رفته و ملا احمد نراقی را نخستین فقیهی شمرده‌اند که در رساله‌ای مستقل همه اختیارات و

وظایف فقیه را ذیل عنوان واحد «ولایت فقیه» مطرح کرد. پس از ایشان فقهای شیعه اصطلاح بهره برده‌اند.

نخستین مایه‌های اندیشه‌ی فقه حکومتی اسلام را می‌توان در جوامع حدیثی هم‌چون اصول حدیثی اصحاب ائمه علیهم‌السلام و در عصر غیبت در آثاری چون کتاب «کافی» مرحوم کلینی (م ۳۲۹ ه.ق)، «من لا یحضره الفقیه و تهذیب» شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه.ق)، کتاب «مقنعه» شیخ مفید (م ۴۱۳ ه.ق) (شیخ مفید، المقنعه، صص ۸۰۹، ۶۷۵ و ۶۷۶)، کتاب «انتصار» و کتاب «جمل العلم و العمل» سید مرتضی (م ۴۳۶ ه.ق)، کتاب «خلاف، تبیان و نهاییه» شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه.ق) (شیخ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، صص ۳۰۲ و ۳۰۱) و ... مشاهده کرد.

سپس می‌توان رد این نظریه را در آثار اندیشمندان و فقهای شیعه دنبال نمود. من جمله در آثار: شیخ ابو الصلاح حلبی (م ۴۴۷ ه.ق)، قطب راوندی (م ۵۷۳ ه.ق)، در سرائر ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ ه.ق) (حلی، ۱۴۱۰ ه.ق: ۵۳۷-۵۳۹)، مختصر النافع محقق حلی (م ۶۷۶ ه.ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب علامه حلی (م ۷۲۶ ه.ق)، القواعد الفوائد فی الفقه و الاصول و العربیه شهید اول (م ۷۸۶ ه.ق)، اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه فاضل مقداد (م ۸۲۶ ه.ق)، رسائل محقق کرکی (م ۹۴۰ ه.ق) (جمالزاده، موحیدیان و یاسمی: ۱۳۹۸: ۹۴-۷۳)، شرح اللمعه الدمشقیه شهید ثانی (م ۹۶۵ ه.ق) (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۴۶)، کتاب مجمع الفائده و البرهان مولی احمد مقدس اردبیلی (م ۹۹۰ ه.ق)، علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ ه.ق) (مجلسی، ۱۳۸۹: ۳۳۵ و ۳۳۶، ح ۳)، جواد بن محمد حسینی عاملی (م ۱۲۲۶ ه.ق) (حسینی عاملی، ۱۴۲۱ ه.ق: ۱۹)، نیز نظرات ایشان در باب ولایت فقیه را می‌توان یافت. اما با توجه به مانعیت موضوع مقاله در محدوده دو قرن اخیر با گذر از نظرات متقدمین به بررسی اندیشه علمای شیعه در باب ولایت فقیه در دو قرن اخیر می‌پردازیم.

۲-۱. آیت الله وحید بهبهانی

آیت الله وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ ه.ق) از فقیهان بزرگ و مجدد شیعه و مؤسس مکتب اصولی در سده دوازدهم هجری است. بهبهانی در اواخر حکومت صفویه زمانی که اصولی‌ها در انزوای شدید علمی قرار داشتند و شیوه اجتهاد اخباری بر حوزه‌های علمی شیعی در ایران و عراق سیطره کامل داشت، با تلاش‌های پی‌گیر علمی و استدلال‌های محکم و متین عقلی و نقلی، به عمر یک صد ساله مکتب اخباری پایان داد. بی‌گمان می‌توان ادعا کرد که تقویت مکتب اصولی توسط علامه وحید بهبهانی و استمرار آن در حوزه‌های علمی، طی دو قرن اخیر، فصل جدیدی از حیات سیاسی شیعیان در عصر غیبت را گشود.

وی در رساله الاجتهاد و الأخبار، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ی خاص مجتهد عنوان کرد. وی فقهای جامع شرایط را نایبان عام امام غایب عجل‌الله‌تعالی در امور دینی و دنیوی معرفی کرد.

او در این مورد معتقد بود چنان که حکومت در عصر حضور از حقوق اختصاصی پیامبر و امام است، در عصر غیبت نیز، به سبب نیابت عامه‌ی فقها، از شئون اختصاصی آنهاست و از آن رو که ائمه اطهار علیهم‌السلام امکان نصب خاص فقها را نداشته‌اند، نائبان خود را به گونه‌ی عام منصوب کرده‌اند (بهبهانی، ۱۴۱۷ هـ.ق: ۷۵۱).

۲-۲. سید محمدباقر شفتی

سید محمدباقر شفتی (م ۱۱۷۵ هـ.ق) از شاگردان بنام بهبهانی به‌عنوان شیخ الاسلام اصفهان رساله فی إقامة الحدود فی عصر الغیبه را در باب اجرای حدود توسط مجتهدین نوشت و اجرای حدود توسط علما را در اصفهان احیا کرد. به عنوان مثال حدود مربوط به اعدام تا پیش از آن فقط توسط حکومت انجام می‌شد. شفتی جهت جا انداختن این موضوع خود همت به اجرای حدود بست. او حد کشتن را در مورد ۹۰ تا ۱۲۰ نفر به دست خود اجرا کرده‌است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۸).

وی در رابطه با نظریه‌ی نیابت عامه‌ی فقیه از امام عجل‌الله‌تعالی دیدگاهی شبیه به سایر شاگردان مکتب وحید بهبهانی داشت. درواقع، شفتی در مواضع مختلف کتاب مطالع الانوار، که در شرح شرایع الاسلام علامه حلی نوشته است، از جمله در مباحث زکات، امر به معروف، و اقامه و اجرای حدود نیابت فقیه از امام عجل‌الله‌تعالی را تأکید کرده و علاوه بر آن دلایلی برای ذکر کرده است (شفتی گیلانی، ۱۴۰۹: ۳۳). او در رساله‌ی فی إقامة الحدود فی عصر الغیبه، استدلال‌های بیشتری بر نیابت فقیه از امام عجل‌الله‌تعالی آورده و به‌ویژه بر مقام حکومتی فقیه تأکید کرده است. به بیان دیگر، شفتی نشان داده که، بر اساس روایت امام صادق علیه‌السلام اجرای حدود شرعی و مجازات مجرمان به عهده‌ی مقام و منصب حکومتی است (شفتی گیلانی، ۱۴۲۷: ۱۶۹). از سوی دیگر؛ به اعتقاد شفتی، با توجه به مقبوله‌ی عمر بن حنظله، امام عجل‌الله‌تعالی فقها را از جانب خود حاکم بر مردم قرار داده است. شفتی با صغری و کبری قرار دادن این دو روایت به این نتیجه می‌رسد که اجرای حدود به عهده‌ی فقهاست (شفتی گیلانی، ۱۴۲۷ هـ.ق: ۱۸۲). شفتی، در زمان غیبت امام عجل‌الله‌تعالی، اجرای حدود اسلامی توسط فقیه جامع الشرایط را، به مثابه‌ی امری حکومتی، واجب می‌داند و عدم اجرای آن را مساوی ضعف قدرت اسلام و فقاقت برمی‌شمرد.

۲-۳. علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء

شیخ جعفر کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ هـ.ق) از فقهای برجسته این دوره در کتاب «کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء»، ولایت فقها را در یکی از حساس‌ترین امور حکومتی یعنی جهاد تبیین کرده

است. ایشان در تفسیر قسمی از نبرد که مرکزیت اسلام و نفوس مسلمین و ارزش‌های محترم در معرض خطر است معتقد است:

«در این صورت، چنانچه امام معصوم حاضر باشد، وظیفه وی به عهده گرفتن این ریاست است، اما در صورت غیبت امام یا عدم توانایی او مثلاً در حالت زندانی بودن، قیام برای اجرای این امر مهم، وظیفه مجتهدین و فقها خواهد بود.»

ایشان در عمل نیز فتوای شورانگیزی در جهاد با کفرانی که به سرحدات مسلمین حمله کرده بودند، صادر کرده و مردم را به مقابله علیه آنها امر کردند.

۲-۴. میرزای قمی

میرزا ابوالقاسم بن محمدحسن شفتی قمی (م ۱۲۳۱ هـ) از عالمان شهیر قرن ۱۳ که مرجعیت ایشان هم‌زمان با سلطنت فتحعلیشاه قاجار بوده است در آثار خود به ولایت فقیه جامع الشرائط تصریح می‌کند و اطاعت از او را واجب می‌داند و می‌گوید:

«عقل و نقل معاضدند در این که کسی که خدا اطاعت او را واجب کند، باید معصوم و عالم به جمیع علوم باشد، مگر در حال اضطرار و عدم امکان وصول به خدمت معصوم که اطاعت مجتهد عادل مثلاً واجب می‌شود» (به نقل از حائری: ۳۲۷ و ۳۲۸).

و در جای دیگر می‌گوید:

«وقتی در فقه، از احکام مرتبط با ولایت و سیاست، مثل گرفتن جزیه، صحبت می‌شود و به نظر امام موکول می‌گردد، منظور از امام، «مَنْ يَبْدِئُ الْأَمْرَ» است که در عصر غیبت، بر فقیه عادل منطبق می‌شود» (میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۴۰۴).

۲-۵. ملا احمد نراقی

علامه ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵ هـ) اولین فقیهی است که رساله‌ای مستقل را به بحث ولایت فقیه جامع الشرائط اختصاص داده و اصطلاح ولایت فقیه را ابداع کرده. او در کتاب خود «عوائد الایام، عائدۀ فی بیان ولایة الحاكم و ماله فیہ الولاية» که دارای هشتاد و هشت عائدۀ فقهی، اصولی و ... است، یک عائدۀ را به ولایت فقیه اختصاص داد و زوایای این اندیشه را به گونه‌ای مستقل و منسجم به بحث گذاشت. نراقی هر چند در اصل مسأله سخن تازه‌ای ارائه نکرد، ولی در شرح و تدوین آن، هم‌چنین گردآوری دلیل‌ها، به‌ویژه روایات باب، از فقه‌های گذشته پیشی گرفت و باعث تمرکز بحث‌های سیاسی و توسعه و تعمیق آن شد. پس از نراقی، تحولی بس بزرگ در فقه سیاسی شیعه به عمل آمد. بسیاری از فقها با طرح «ولایت فقیه» مباحث سیاسی را بر محور این اصل قرار

داده و مسایل حکومتی را به گونه‌ای مستقل در این مبحث و با همان عنوان به بحث گذاشتند. در آغاز این بحث چنین می‌نویسد:

«... به تحقیق، من فقها و نویسندگان کتب فقهی را دیدم که در زمان غیبت، بسیاری از اموری را به حاکم وقت ارجاع می‌دهند و ولایت او را در اکثر کارها امضا می‌کنند. اما در این خصوص هیچ دلیلی ارایه نمی‌دهند، اگر هم بعضی دلیل آوردند، دلیلشان ناتمام می‌باشد. از طرفی با این که این مسأله خیلی مهم و سرنوشت‌ساز است، ولی متأسفانه منقح نشده است» (نراقی، ۱۳۶۶: ۵۳۰).

او با تلاش فقیهانه، مقوله «ولایت فقیه» را از لابه‌لای متون فقهی، اصولی و کلامی استنباط کرد و بیرون کشید و آن را برای نخستین بار به شکل یک اصل، مبنا، پایه و قاعده درآورد و به جامعه اسلامی تحویل داد. فاضل نراقی در این باب با استناد به نوزده روایت از امامان معصوم (علیهم‌السلام) به تحلیل عقلی این احادیث می‌پردازد و می‌نویسد:

«... برآستی از مسایل آشکاری که هر عامی و عالمی آن را می‌فهمد و به آن حکم می‌کند، این است که: هرگاه پیامبری، هنگام سفر یا مرگ بگوید: فلانی وارث من، مانند من، در جای و مقام من است، جانشین، امین و حجت من است، از جانب من بر شما حق حاکمیت دارد و در همه رخدادهای به او مراجعه کنید، گردش امور و قانونگذاری به دست اوست و او سرپرست رعیت من می‌باشد، هر ولایتی که در اداره امور مردم بر پیامبر بود، برای او نیز هست. به‌طوری که هیچ شخصی در کلام پیامبر شک نمی‌کند و این مطلب از آن گفتار، فوری به ذهن تبادر می‌کند...» (نراقی، ۱۳۶۶: ۵۳۷).

یکی دیگر از ابتکارات محقق نراقی آن است که در این عانده، فهرستی از شئون و اختیارات فقیه در سرتاسر فقه را در یک جا جمع‌آوری و در دوازده دسته تنظیم کرده و درباره‌ی هر یک جداگانه بحث کرده است.

۲-۶. عبدالفتاح حسینی مراغی

سید میر عبدالفتاح حسینی مراغی (م ۱۲۵۰ ه‍.ق) در فقه و اصول مهارت بسیار داشت، و یکی از استوانه‌های مهم مرجعیت در صدر قرن سیزدهم هجری محسوب می‌شود. او از فقیهان معاصر محقق نراقی است که در مسأله ولایت فقیه به‌طور کامل به نظریات وی توجه دارد. این محقق سخت کوش برای نخستین بار به‌صورت فنی و اجتهادی به تجزیه و تحلیل ادله ولایت فقیه پرداخت و دلایل محقق نراقی را به نقد کشید. وی در کتاب ارزشمند «عناوین، عنوان فی ذکر الاولیاء و الموالی علیهم اجمالاً و بیان مراتبهم فی الولاية» عنوان‌های ۷۳، ۷۴ و ۷۵ را به مسأله

ولایت اختصاص داد. مراغی در آغاز، اصل عدم ولایت را مطرح و سپس مروری به قلمرو اختیارات فقیه در سرتاسر فقه کرد آنگاه به تجزیه و تحلیل ادله ولایت فقیه پرداخته است.

۲-۷. محمد رسول کاشانی

محمد رسول کاشانی (م. ۱۲۵۸ ه.ق) از شاگردان محقق نراقی است که از جانب او اجازه روایت دارد. او در رساله «النبیه فی وظایف الفقیه» نیز به طرح و بررسی مستقل مسئله ولایت فقیه پرداخته است. این رساله در چند مقام تنظیم شده: مقام اول عهده دار نقل و بررسی مفاد روایاتی است که به نوعی با ولایت و وظایف فقیه و عالم ارتباط دارند. در این بخش ده‌ها روایت نقل شده است. در مقام دوم، وظیفه فقیه جامع شرایط فتوا در عرصه افتای آنچه مردم بدان نیاز دارند، تبیین شده و به بررسی دلایل رجوع شخص عامی به فقیه پرداخته است. در مقام سوم، وظیفه فقیه جامع شرایط در عرصه قضاوت در منازعات مردم تبیین شده و رجوع به فقیه در منازعات، را اجماعی بلکه ضروری دین دانسته، در عین حال روایات مسأله را نقل کرده و بررسی نموده است. در مقام چهارم، اقامه حدود در عصر غیبت مورد بررسی قرار گرفته که آیا فقهای شیعه می‌توانند در عصر غیبت امام حدود را اقامه کنند یا نه؟ مقام پنجم این رساله به بحث ولایت فقیه بر اموال افراد مخصوصی مثل یتیم، مجنون و سفیه اختصاص داده شده است.

۲-۸. سید محمد آل بحر العلوم

سید محمد آل بحر العلوم (م ۱۲۶۱ ه.ق) فقیه فرزانه مباحث ولایت فقیه را در رساله مستقلی به نام «رساله فی الولایات» بحث کرده است. ابتکاری که در مباحث او مشاهده می‌شود توجه به مبادی تصویری ولایت فقیه است. وی در قسمت مبادی تصویری، از معنای لغوی و اصطلاحی ولایت بحث کرده و درباره‌ی تفاوت میان حق و ولایت گفته است که حق موجب سلطنت می‌شود ولی ولایت خود سلطنت است. وی سپس به تقسیمات مختلف ولایت پرداخته از جمله تقسیم ولایت به ولایت به معنای اخص و ولایت به معنای اعم، ولایت اجباری و اختیاری، خاصه و عامه، استقلالیه و اذنیه، مراتب ولایت، اصل عدم ولایت، محدوده‌ی ولایت معصومان و در قسمت مبادی تصدیقی، اصل ثبوت ولایت فقیه را اجمالاً مسأله‌ای مورد اتفاق و بی‌گفتگو دانسته، لذا بحث را در گستره‌ی ولایت متمرکز ساخته است.

وی با دلیل عقلی ولایت اذنی فقیه را در هر کاری که مردم به امام محتاج هستند و باید به نظر وی مراجعه کنند اثبات می‌کند. خلاصه دلیل آن است که برای حفظ نظام در عصر غیبت، امام عجل‌الله‌تعالی باید کسی را نصب کند و منصوب امام عجل‌الله‌تعالی یا همه کسانی هستند که توانایی انجام این قبیل امور را

دارند و یا صنف خاصی است و آن صنف خاص یا فقیهان هستند و یا غیر فقیهان شق اول خلف و شق اخیر باطل. در نتیجه منصوب بودن فقیه متعین خواهد بود و علاوه بعضی از ادله نقلی مانند «اما الحوادث»، «مجارى الامور»، «جعلته عليكم حاكماً» که ظهور در نصب فقیه دارند از تتبع فتاوی فقه‌ها معلوم است که آنان به عموم ولایت معتقد بودند (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳ هـ ق: ۲۳۳).

۲-۹. محمد حسن نجفی

شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ هـ ق)؛ صاحب کتاب ارزشمند جواهر الکلام، از فقه‌های بزرگی است که مسئله ولایت فقیه را به‌طور مطلق و عام مطرح کرده، و با استدلال‌های قوی آن را ثابت نموده است. ایشان در این زمینه می‌نویسد:

«خلاصه این که مسئله [ولایت فقیه و حوزه گسترده اختیار او] از امور روشنی است که نیازی به دلیل ندارد» (صاحب جواهر، ۱۳۸۶: ج ۲۱ / ۳۹۷).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

«عجیب است که بعضی از مردم در ولایت فقیه دچار وسوسه شود، انگار بویی از فقه نبرده است.» (صاحب جواهر، ۱۳۸۶، ج ۲۱، ص ۳۹۷)

از گفتار مختلف او در موارد گوناگون کتاب‌های فقه فهمیده می‌شود که گستردگی اختیارات ولی فقیه، از دیدگاه ایشان از امور قطعی و واضح بوده است. و در کتاب «جواهر الکلام» می‌نویسد:

«ولایت فقیه از امور مسلم، قطعی، ضروری و روشنی است که نیاز به دلیل ندارد. استوانه‌های مذهب به ولایت فقیه حکم کرده‌اند و فقیهان در موارد متعددی آن را ذکر کرده‌اند. ... «منکر ولایت فقیه، طعم شیرین فقه را نجشیده و رمز سخنان امامان معصوم را نفهمیده است». ... «منصب فقیه، منصب امام علیه‌السلام است. فقیه، مصداق اولی الامر است و اطاعت از وی واجب می‌باشد» (صاحب جواهر، ۱۳۸۶: ج ۱۵ / ۴۲۱؛ ج ۴۰ / ۱۹).

از بعضی عبارات صاحب جواهر استفاده می‌شود که ولایت فقیه علاوه بر بدهات عقلی، جزو مسائل ضروری مذهب است که انکار آن موجب ارتداد است. با این حال برای اثبات ولایت عامه انتصابی فقیه، به اجماع منقول و محصل و ادله عقلی و دلایل نقلی استدلال کرده است. به عقیده صاحب جواهر، بار اول فقیهان توسط امام صادق علیه‌السلام نصب شدند و بار دیگر توسط امام زمان عجل‌الله‌تعالی به ولایت نصب شدند و این نصب‌ها همیشگی است و بعد از شهادت امام علیه‌السلام نیز به قوت خود باقی است (صاحب جواهر، ۱۳۸۶: ج ۲۱ / ۴۰۱).

۲-۱۰. شیخ مرتضی انصاری

شیخ مرتضی انصاری (م: ۱۲۸۱ هـ.ق)؛ صاحب مکاسب و رسائل، و از شاگردان محقق نراقی در کتاب مکاسب در بحث بیع، پیرامون ولایت فقیه بحث کرده و چنین نتیجه می‌گیرد:

«همانا آنچه از روایت مورد قبول عمر بن حنظله استفاده می‌شود این است که فقیه جامع شرایط مانند سایر حاکمانی است که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابه منصوب می‌شدند، و مردم ملزم بودند که در شئون مذکور به او مراجعه کنند، و سرانجام، نظر او را بپذیرند، بلکه آن چه در عرف به ذهن‌ها پیشی می‌گیرد این است که هرگاه کسی را به عنوان سلطان حاکم نصب کردند، بر مردم واجب است در همه امور مطلوب و مورد نظر سلطان، به او رجوع کنند» (انصاری، ۱۴۲۱ هـ.ق ج ۲/ ۱۵۵).

شیخ در مکاسب در بحث خراج اراضی مفتوحه عنوه و در «کتاب الطهاره» و پس از کیفیت مصرف خمس و وجوب زکات و در «کتاب القضا» با تعبیرهایی مانند «نیابت عامه فقیه»، «حجت امام»، «امین امام»، «حکومت مطلقه فقیه»، «حجیت عامه فقیه» از فقیه یاد کرده است (انصاری، ۱۴۲۰ هـ.ق ۵۱۰ و ۴۶۸)؛ که از این تعبیرات به روشنی ولایت در امور عمومی و حکومتی فقیه که در قسمت ولایت اذنی مکاسب مطرح ساخته، استفاده می‌شود. به نظر شیخ انصاری منصوبین امام علیه السلام دو دسته‌اند. دسته‌ای نصب شده‌اند برای سامان بخشیدن به اموری که وظیفه‌ی امام علیه السلام در حال حیات بوده، این گروه با مرگ امام از مقام خود عزل می‌شوند. دسته‌ای نصب شده‌اند برای انجام کارهایی که امام همیشه نسبت به آنها ولایت دارد. این دسته فقیهان هستند که در زمان نصب حتی لازم نیست وجود داشته باشند تا چه رسد به داشتن شرایطی دیگر (انصاری، ۱۴۲۰ هـ.ق: ۶۹).

۲-۱۱. فاضل دربندی

مولا آقا ابن عابد دربندی معروف به فاضل دربندی (م ۱۲۸۵ هـ.ق) از شاگردان شیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء قرار گرفت.

او در ضمن یکی از خزائن کتاب «خزائن الاحکام فی بیان ولایة الفقهاء بعد فقد النبی و الائمة» که شرحی است بر منظومه علامه بحر العلوم به بحث ولایت فقیه و به شرح و تبیین جوانب مختلف این موضوع پرداخته و آن را از زوایای گوناگون بررسی کرده است. او معتقد است که در فقدان ائمه علیهم السلام اقامه حدود، قضاوت و حکومت، افتا، تعیین مدت برای یافتن کسی که خبری از او نیست، حکم ملاعنه و زندانی کردن مدیون و مرتد و فرستادن کارگزاران برای جمع‌آوری زکات و خمس، وادار کردن مردم به انجام حج در صورت ترک آن و ... از اختصاصات فقهاست. سپس می‌افزاید:

«هر امری که دارای جهت مصلحت مخفی باشد هم‌چنین هر امری که دارای جهت مصلحت آشکار باشد نیز برعهده مجتهدان است. آنگاه برای اثبات این مطلب به روایات و اجماع استدلال می‌کند» (ستایش و مهریزی، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

۲-۱۲. سیدابوطالب قائنی خراسانی

سیدابوطالب قائنی خراسانی (م. ۱۲۹۳ه) از شاگردان سیدمحمدباقر شفتی است. او در کتاب «ینابیع الولاية» که در شانزده مقام و یک خاتمه تنظیم شده، انواع ولایت شرعی مورد بحث قرار گرفته است. مقام ششم از کتاب «ینابیع الولاية» به بحث ولایت حسبیه اختصاص دارد. که عبارت است از: سلطنتی جعل شده از سوی شارع به‌طور عام برای شخص خاص یا اشخاص خاص یا عموم مکلفین برای حفظ نظام دین و دنیا که به افراد خاص یا عموم تعلق دارد و جعل این سلطنت موجب می‌شود که شخص آن را به قصد تقرب به خدا انجام دهد یا به‌عنوان واجب کفایی. مانند: ولایت عدول مؤمنین، ولایت امر به معروف و نهی از منکر به‌معنای خاص و ولایت سلاطین و وزرا در فرض عدم اتفاق نظر مردم بر یاری امام معصوم علیه‌السلام یا نایب عام وی، حتی در صورتی که حفظ نظم و نظام جامعه و نگهداری از شریعت پیامبر و رعایت موازین عدل و انصاف به چنین سلطنتی متوقف باشد، به اذن مجتهد هم نیازی نیست و سلطنت و وزارت و حکومت به حکم کتاب و سنت و اجماع و عقل واجب است، بلکه ضروری بوده و محتاج دلیل هم نیست.

۲-۱۳. ملا نظرعلی طالقانی

ملا نظرعلی طالقانی (م ۱۳۰۶ هـ) در کتاب «مناط الاحکام» که در مورد اصول و فقه و مسائل مرتبط با آن است که در شکل جدیدی تنظیم شده و مشتمل بر فروع و ظواهر و اسرار و بواطن است؛ یکی از بحرهای آن را به بحث از «ولایت امام و فقیه عادل» اختصاص داده. در یکی از نه‌رها از افاضه ولایت و سلطنت از جانب خداوند به پیامبر اسلام و جانشینان معصوم او سخن گفته شده است. در نه‌ری دیگر شئون ولایت آنان تبیین شده که عبارتند از: ولایت در اخبار و تبلیغ، ولایت در اعتقاد و حدس و فراست آنان، ولایت در قضا و حکم، ولایت بر نفوس و اموال و لزوم اطاعت و حرمت مخالفت با اوامر و نواهی آنان. در نه‌ری دیگر ولایت فقیه عادل در عرصه افتا و قضاوت تشریح شده است. در نه‌ری دیگر به شأن سوم فقهای عادل پرداخته و در یک جمله می‌گوید:

«همه مواردی که مردم در آن موارد به مقتضای عقل خویش به رییس مراجعه می‌کنند، فقیه عادل در آن موارد حق ولایت دارد.»

۲-۱۴. میرزای شیرازی

سید محمدحسن حسینی شیرازی مشهور به میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲ هـ.ق)، مرجع تقلید شیعه ایرانی (مرجعیت عام شیعیان در سال ۱۲۴۳) و صاحب حکم تحریم تنباکو بود. او از جمله‌ی معدود فقیهانی است که در تاریخ اسلام اعمال ولایت کرده، مرحوم میرزای شیرازی فتوای تحریم تنباکوی خود را بر اساس اختیارات ولی فقیه صادر کرد و موجب جنبش شگرفی در تاریخ سیاسی شد.

حتی در مکاتبات ایشان این‌طور آمده که ایشان شاه را موظف به تبعیت از «گفتن» علما می‌داند و وجوب این تبعیت نیز به این دلیل است که علما از جانب امام زمان عجل‌الله‌تعالی منصوب هستند و وظیفه حفاظت از دین و دنیای مردم را دارند:

«خود را از جانب ولی عصر عجل‌الله‌تعالی منصوب بر این امر و حافظ دین و دنیای رعایا آن جناب و مسئول از حال ایشان می‌داند و باید تمام مجهود خود را در نگاهداری آن مبذول دارد» (ترکمان، ۱۳۶۲: ج ۱/۳۸۲).

۲-۱۵. ابوالمعالی محمد کلباسی

ابوالمعالی محمدبن محمد ابراهیم کلباسی (م ۱۳۱۵ هـ.ق) رجال‌شناس و فقیه شیعه و از استادان حوزه علمیه اصفهان و صاحب رساله «ولایت فقیه در عصر غیبت» است. وی در این کتاب به بررسی حدود ولایت پیامبر و امام و نظریات موجود اشاره می‌کند. و در ادامه اعلام می‌دارد که شرط اعمال ولایت از جمله مباحثی است که در ذیل بحث حدود ولایت فقیه مطرح شده است. ولایت بر اموال یتیم، ولایت بر اموال مجانین و سفیهان، ولایت بر اموال غایبین، ولایت بر نکاح، ولایت بر اموال امام در عصر غیبت، مزاحمت فقیه در ولایت از مباحث دیگر این کتاب است. در خاتمه ولایت عدول مؤمنین در صورت تعدّر فقیه مورد بحث قرار گرفته است (ستایش و مهریزی، ۱۳۸۴: ۲۰۲).

۲-۱۶. محمد علی نجفی

شیخ محمدعلی نجفی (م ۱۳۱۸ هـ.ق) در رساله «رساله فی الولايات» و در مسأله سوم این رساله، ولایت حاکم را مورد بحث قرار داده و بیان می‌دارد که به اجماع فقها اختلافی در آن نبوده و ضرورت مذهب شیعه است. وی در بحث تفصیلی خود، نسبت به تصدی مجتهد در اموری که به سلطان مربوط می‌شود، مناقشاتی دارد. سپس به بحث از اختیارات امام معصوم می‌پردازد و این‌که آیا فقیه از آن اختیارات برخوردار است یا نه؟ مانند ولایت امام بر مردم مبنی بر اطاعت او و اولویت امام بر اموال و نفوس مردم، ولایتش در احکامی مانند حدود و نماز جمعه و عیدین و جهاد و ولایتش بر اموال مخصوص مانند انفال و اراضی مفتوح العنوه و ولایت بر همه امور مسلمین. در ادامه انواع مختلفی از

احکام را که از مجتهد صادر می‌شود، به صورت جداگانه مورد توجه قرار می‌دهد و در نهایت فراتر از دایره امور حسبیه را برای فقیه نمی‌پذیرد.

۲-۱۷. حاج آقا رضا همدانی

معروف به محقق همدانی (م ۱۳۲۲ هـ) از فقهای قرن سیزدهم. او از شاگردان خاص میرزای شیرازی در سامرا بود و پس از درگذشت وی، مرجعیت شیعیان را عهده‌دار شد. وی در مصباح الفقیه خود می‌نویسد:

«در نیابت فقیه جامع الشرایط که شرایط فتوا را جمع کند، چنانکه برمی‌آید که در هر باب از امور مسلمین اشکالی وجود ندارد» (همدانی، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

۲-۱۸. محقق مامقانی

شیخ محمد حسن بن مولی عبدالله مامقانی نجفی (م ۱۳۳۳ هـ) از علمای بزرگ شیعه و مرجع تقلید در کتاب خویش با نام «هدایه الانام فی حکم اموال الامام» بخشی را به «ولایت الحاکم» اختصاص داده است. وی معتقد است:

«از آنجا که حکم عقل به وجوب وجود کسی که امور بندگان را سیاست و راهبری و رفع ظلم و فساد کرده و حکم به حق و عدل نموده و احکام خداوند را به درستی تبیین نماید، با روایات فراوانی تأیید شده است و این که تنها فقیهان عادلند که شریف‌ترین مردمان بعد از امامند. پس نصب فقیهان برای ولایت بر این امور متعین است؛ چراکه لازم است رئیس همواره و در همه‌ی امور از مروت خود شریف‌تر باشد» (مامقانی، ۱۳۳۱ هـ: ۱۴۲).

۲-۱۹. شیخ فضل الله نوری

شیخ فضل الله نوری (م ۱۳۲۷ هـ) نیز مانند دیگر فقهای هم عصر خود و ماقبل آن همچون ملا احمد نراقی و صاحب جواهر به تبیین دولت و حکومت اسلامی می‌پردازد. شیخ نوری در یکی از لوائح تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم تصریح می‌کند که در منطق شیعه، دولت و سلطنتی که زمام آن به دست خدا، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام زمان عجل‌الله‌تعالی و نایبان امام یعنی فقهای عادل نباشد، اوامر و واجب اطاعه نیست (به نقل از ترکمان، ۱۳۶۲: ۱/ ۳۳۹).

از این رو، شیخ فضل الله نوری نه تنها مشروعیت حکومت را به نصب امام و از جانب خدا و نیابت از امام معصوم علیه السلام می داند؛ بلکه نیابت فقیه جامع الشرایط در امور اجتماعی و سیاسی را انحصاری دانسته و به عدم مشروعیت حکومت غیر فقیه تصریح می کند و می گوید:

«امور عامه یعنی، اموری که مربوط به تمام افراد رعایای مملکت باشد و تکلم در امور عامه و مصالح عمومی ناس، مخصوص است به امام علیه السلام یا نواب او و ربطی به دیگران ندارد» (به نقل از ترکمان، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۶۷).

«اگر مقصد امور شرعیه عامه است، این امور راجع به ولایت است نه وکالت و ولایت در زمان غیبت امام زمان با فقها و مجتهدین است» (به نقل از ترکمان، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۰۴).

۲-۲۰. آخوند خراسانی

محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ هـ.ق)، معروف به آخوند خراسانی، فقیه، اصولی، از مراجع بزرگ شیعه، سیاستمدار، از حامیان اصلی نهضت مشروطه ایران، مؤلف کتاب مشهور «کفایه الأصول» از شاگردان میرزای شیرازی بود. وی در تبیین نظری ولایت فقیه، مستندات روایی را برای اثبات ولایت فقیه در سرپرستی امور اجتماعی قاصر می دانست، اما با استناد به دلایل عقلی، ولایت فقیه را در امور سیاسی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ثابت می کرد.

محقق خراسانی مستندات روایی «ولایت فقیه» را از اثبات ولایت عامه فقیه قاصر دانسته و دلالت هیچکدام را تمام نمی داند. اما از راه دلیل عقلی، ولایت فقیه را در امور سیاسی و شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه اثبات کرده است. به اعتقاد وی شارع مقدس برای اداره این امور حتماً باید کسی را نصب کند، آن شخص یا همه ی مسلمانان هستند و یا تنها عادلان و یا افراد موثق هستند. هر کدام از سه عنوان اول که نصب شده باشد فقیه نیز داخل است ولی اگر فقیه نصب شده باشد، آن عناوین داخل نیستند پس ثبوت ولایت بر این امور برای فقیه قطعی و یقینی است. به عبارت دیگر فقیه قدر یقین از میان افرادی است که احتمال داده می شود که مباشرت یا اذن آنان در اداره ی امور جامعه معتبر باشد و بقیه مشکوک هستند و اصل عدم ولایت درباره ی آنان جاری می شود (خراسانی، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۹۳).

۲-۲۱. شیخ محمد حسین نجفی کاشف الغطاء

علامه شیخ محمد حسین نجفی کاشف الغطاء (م ۱۳۳۲ هـ.ش) نیز از قائلین به ولایت فقیه بود. او پیرامون ولایت عامه فقیه جامع الشرایط می نویسد:

«همانا فقیه جامع الشرایط بر همه‌ی شئون عمومی و نیازهای اجتماعی مردم، ولایت دارد» [...] کوتاه سخن آن که عقل و نقل بر ولایت فقیه جامع الشرایط، بر این شئون اجتماعی دلالت دارند، این ولایت نخست از آن امام معصوم (علیه‌السلام) است، سپس برای فقیه مجتهد با جعل امام معصوم (علیه‌السلام) با قول خود «فقیه حجت من بر شما است و من حجت خدا بر آنها هستم» برقرار می‌باشد (آل کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۵۴).

۲-۲۲. محقق اصفهانی

محقق اصفهانی (م ۱۳۶۱ ه‍.ق) معروف به کمپانی اصفهانی فقیه، اصولی، شاعر، عارف و از مجتهدین مشهور معاصر شیعه امامیه بود. او در بحث اثبات ولایت فقیه، در تقریب دلیل عقلی ولایت فقیه معتقد بود:

«به همان دلیل که نصب رئیس واجب است، نصب فقیه نیز واجب است، زیرا واگذاری کارهایی که مردم نیاز دارند به رئیس خود مراجعه کنند، به همه مردم خلاف فرض است (زیرا فرض این است که این کارها از عهده مردم ساخته نیست و نیاز دارند به رئیس مراجعه کنند) در نتیجه امر دایر است بین این که شخص منصوب، فقیه باشد یا شخص دیگری غیر از فقیه. تعیین شخص خاصی غیر از فقیه قطعاً باطل است»

محقق اصفهانی با این که در ادله نقلی ولایت فقیه مناقشه کرده، در عین حال پذیرفته است که ولایت فقیه در بسیاری از مواردی که جزو قلمرو ولایت فقیه شمرده شده اجماعی است و در سخنان فقیهان چنان مسلم و یقینی انگاشته شده که نیازی به استدلال ندارد به‌طوری که ولایت فقیه در سخنان اصحاب، دلیل بسیاری از احکام شمرده شده است نه این که بر ولایت فقیه دلیل اقامه شده باشد (اصفهانی، بی‌تا: ۲۱۴).

۲-۲۳. آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری

مرحوم آیت الله العظمی حاج سید عبد الحسین موسوی دزفولی نجفی لاری (۱۳۴۳ ه‍.ق) از مراجع بزرگ شیعه در نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری بوده و از بنیانگذاران و نظریه‌پردازان و پیشگامان نهضت «مشروطه مشروعه» به شمار می‌آمده که در جنوب ایران حرکت وسیعی برای اجرای موازین قانون اسلام و تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقهی بوجود آورده بود. وی با طرح اصل «ولایت فقیه» در حکومت اسلامی برای جلوگیری از انحرافات که در نهضت مشروطیت پیش آمد به مردم هشدار داد. نماز جمعه را احیاء و اقامه کرد. به استقلال اقتصادی و سیاسی تأکید داشت و قطع علائق و احتیاجات از بیگانه را بر مسلمین واجب می‌شمرد و در نفی استعمار خارجی و استبداد داخلی با قاطعیت گام‌های بلند و استواری برداشت.

وی این نظریه را در رساله «ولایت الفقیه» که در ضمن حاشیه وی بر مکاسب شیخ انصاری است، ارائه کرده است و معتقد است که وظیفه‌ی فقیه همانند امام است در سلطنت و ولایت؛ مگر این که دلیلی این وظیفه را از دوش فقیه بر دارد و بر فقیه واجب نباشد (لاری، ۱۴۱۸ هـ. ق. ج ۴/ ۱۳۸-۱۵۸).

۲-۲۴. آیت الله نائینی

آیه الله العظمی نائینی (۱۳۵۵ هـ)، نظریه پرداز بزرگ مشروطه، از قائلین به ولایت عامه فقیه بود، هر چند به دلیل مساعد نبودن شرایط، به حکومت مشروطه با اذن و نظارت فقها، رضایت داد. مهم ترین اصلی که وی برای مشروعیت بخشیدن به اصول مشروطه از آن بهره برده، اصل ولایت فقیه است (نائینی، ۱۳۸۲: ۳۴-۲۸). از این رو معتقد است:

«حکومت مشروطه، از باب ضرورت و به عنوان ثانوی مشروع است؛ زیرا حکومت در مرحله نخست، حق امام معصوم علیه السلام و در دوره غیبت، از باب ولایت فقیه یا حسیبه از آن فقیهانی است که شرائط لازم را دارا باشند؛ اما اینک که استبداد حاکم است و حکومت معصوم و فقیه امکان پذیر نیست، مهار ستم و استبداد به قدر امکان از ضروریات دین اسلام است» (نائینی، ۱۳۵۹: ۵۶-۴۵).
مرحوم نائینی مبحث ولایت فقیه را به طور بسیار مدوّن به عنوان یک بحث سیاسی و فقهی در کتاب تنبیه الامّه مطرح نمودند. این کتاب در واقع به عنوان یک مانیفست نظریه ولایت فقیه می باشد.

۲-۲۵. آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (م ۱۳۳۷ هـ) از فقهای شیعه که پس از درگذشت سید محمد حسن شیرازی، به مرجعیت رسید. سید در کتاب «القضاء» منصب قضاوت را «منصوب» از طرف شارع و منصبی از مناصب شرعی می داند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ج ۲/ ۵). در این که چه کسی حق حکومت دارد، در تمام کلمات سید ذکری از سلطان به میان نمی آید. در همه موارد، فقیه عادل جامع الشرائط را در مقابل حاکم جور قرار داده و مطرح می کند که تنها فقیه جامع الشرائط حق حاکمیت بر جامعه اسلامی دارد (طباطبائی الیزدی، ۱۳۷۰: ج ۱/ ۴۹-۴۶). این نشانگر آن است که ایشان قدرت حاکمان وقت را به رسمیت نمی شناسد و هر نوع به رسمیت شناختن حاکمیت غیر فقیه جامع الشرائط را ممنوع می داند. بدیهی است رجوع به حاکم هنگام ترفع و نزاع، نوعی رسمیت بخشی به آنهاست. ایشان در چند جا از فقیه جامع الشرائط، با نام «نایب امام زمان» یاد می کند (یزدی، ۱۳۷۸: ج ۲/ ۱۱۸). بنابراین، بدیهی است که نایب شخص، حداقل باید

بعضی از اختیارات اصلی او را داشته باشد، تا عنوان «نیابت» بر او صدق کند؛ مثلاً درباره پرداخت خمس می‌نویسد:

«اما نصف خمس، که مخصوص امام است، در زمان غیبت باید به نایبش، که مجتهد جامع الشرائط می‌باشد، پرداخت شود...» (یزدی، ۱۴۰۹ هـ. ق ج ۲/ ۴۰۶).

۲-۲۶. آیت الله بروجردی

آیت الله بروجردی (م ۱۳۸۲ هـ. ق) معتقد بود که حکومت برای فقیه است ولی فرد و نیروی کافی نداریم تا حکومت را در اختیار فقیه قرار دهیم. فقیه جامع الشرائط که خودش به‌تنهایی نمی‌تواند جامعه را اداره کند. ایشان گرچه بحث ولایت فقیه را به‌طور مستقل مطرح نکردند، ولی نظر ایشان بر ولایت مطلقه بود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۳) و در درس خارج خود در بحث نماز جمعه بعد از اینکه می‌فرماید دین اسلام، مسلمین را بعد از غیبت رها نکرده؛ بلکه برای اداره امور اجتماعی فردی را مشخص کرده است ... و اضافه می‌کند:

«فقیه عادل از سمت امام معصوم علیه‌السلام منصوب شده است» (به نقل از منتظری، ۱۳۶۲: ۵۷).

معروف است که ایشان در ساخت مسجد اعظم به جهت تخریب بعضی از اماکن مورد پرسش علما قرار می‌گیرد به اختیارات ولی فقیه اشاره می‌کند و می‌گوید:

«ما فقیه را در قدرت و اختیار در ادامه‌ی امام معصوم علیه‌السلام می‌دانیم.» (به نقل از علی‌آبادی، ۱۳۷۸: ۷۸).

از این‌رو با جمع‌بندی و رصد نظرات فقهای دو قرن معاصر می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که نظریه‌ی ولایت فقیه، نظریه‌ای مورد اجماع و با سابقه در میان فقهای دو قرن گذشته می‌باشد. به‌صورتی که به تعبیر مرحوم «صاحب جواهر» جزو مسلمات فقه شیعه و مسأله‌ای اجماعی بین علما مطرح می‌کند.

۳. تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین شرعی و بدست گرفتن حکومت توسط خود علما

۳-۱. علامه محمد باقر شفتی

شفتی به‌طور کلی سلطنت شاهان را مشروع نمی‌دانست، و با نادیده گرفتن حکومت مرکزی حکومت شرعی خود را در اصفهان به راه انداخت، درخواست شفتی از شاه برای توقف نقاره خانه‌ی سلطنتی (تنکابنی، ۱۳۶۸: ۱۴۳) از آگاهی شفتی از جایگاه خود می‌دانستند. درواقع، شفتی تفسیر

عملی و اجرایی نظریه‌ی نیابت عامه‌ی فقیه از امام علیه‌السلام را در زندگی خود به نمایش گذاشت، تفسیری که در سیره‌ی عملی مجتهدان عالی مقام شیعه و استادان شفتی نیز وجود نداشته است.

۳-۲. آیت الله سید عبدالحسین لاری

تلاش‌های وی ذیل اثبات ولایت فقیه صرفاً نظری و علمی نبود او پا در عرصه عمل گذاشت و در فتوایی با صراحت در زمان قاجار اعلام داشت:

«واجب است تبدیل سلطنت امویه قاجاریه به دولت حقه اسلامی» (به نقل از میرشریفی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

و در این راه مردم را از پرداخت مالیات به حکومت مرکزی و یا کارگزاران آن بر حذر می‌داشت. او در لارستان و توابع، حکومت اسلامی منظم و با انضباطی بر مبنای ولایت فقیه تشکیل داد؛ کارخانه‌ی اسلحه‌سازی دایر کرده، تمر پستی بنام این حکومت به چاپ رساند (براون، ۱۳۳۱ هـ.ق ج ۳۲۲/۱). در ابتدای انقلاب مشروطیت حکم جهاد علیه مستبدین صادر کرد و مکرر با آنان جنگید و در سال ۱۳۲۶ هـ.ق یعنی در زمان استبداد صغیر به مرحوم سید مرتضی مجتهد اهرمی دستور داد بوشهر را از تصرف مستبدین خارج سازد و او نیز با کمک رئیسعلی دلواری و میرزا علی کازرونی چنین کرد (رکن زاده و آدمیت، ۱۳۵۷: ۳۵۴ و ۳۵۵). وی در قضیه هتک حرمت مردم خان زنیان (کوهمره) توسط پاسگاه پلیس جنوب همزمان با جنگ جهانی اول، فرمان جهاد علیه آنان صادر نموده بود و فتوای جهاد علیه «کفار انگلیسی» صادر می‌کند (سفیری، ۱۳۶۳: ۲۳۱ و ۲۳۲). در این فتوا تفکر وی ذیل اندیشه ولایت فقیه به وضوح دیده می‌شود:

«... من که مجتهد و جانشین پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله هستم بدینوسیله فتوا می‌دهم که امروز بر تمام افراد ذکور ایرانی جهاد با این کفار حربی واجب است و هر که از جهاد رو بر تابد یا به نحوی از انحاء به آنها خدمت و مساعدت کند، مردود جامعه ایرانی است و زن در خانه‌اش بر او حرام خواهد بود. شما که رئیس و ایلخانی هستید باید به مجرد رؤیت حکم جهاد که علیحده نوشته شده و به شما تسلیم خواهد شد، جهاد را آغاز کنید و کلیه افراد قشقائی و سایر ایلات و عشایر جنوب باید تحت امر و پیشوائی شما مشغول شوند تا آن زمان که این قوم حيله باز و مکار را از مملکت بیرون کنید. و هر که در این جنگ کشته شود شهید خواهد بود. و آن کس که از دشمنان دین و وطن بکشد استحقاق ورود به بهشت خواهد داشت» (به نقل از دوانی، ۱۳۷۷: ج ۲ / ۲۶-۱۵).

با مرور تاریخ متوجه می‌شویم که پیش از امام خمینی رحمت‌الله حداقل دو حکومت آیت الله لاری در لار و آیت الله شفتی در اصفهان با تکیه بر نظریه ولایت فقیه تشکیل شده و بدست گرفتن حکومت توسط شخص فقیه سابقه‌ای فراتر و قدیم‌تر از عملکرد تاریخی امام خمینی رحمت‌الله دارد.

۴. بی‌سابقه بودن نظریه ولایت مطلقه فقیه امام خمینی رحمت‌الله

در ابتدا باید دانست مراد از مفهوم اطلاق در ولایت مطلقه فقیه در علم فقه با اطلاق در حکومت مطلقه در علم حقوق و سیاست متفاوت است. حکومت مطلقه در علم حقوق و سیاست به معنای حکومت استبدادی به کار می‌رود. یعنی حکومتی که پایبند به اصول قانونی نبوده، هر زمان که بخواهد به حقوق اتباع خود تجاوز می‌نماید. و نظارت و تعهدی را بر نمی‌تابد. لیکن کلمه‌ی مطلقه به دنبال ولایت فقیه، در مقایسه با دیگر نظریاتی است که در مورد حیطه اختیارات ولی فقیه وجود دارد. و به آن معناست که اختیارات ولی فقیه در نسبت با معصوم کامل است و یا تمام اختیارات معصوم در حیطه اختیارات ولی فقیه است و او می‌تواند در این زمینه اعمال ولایت کند. از این رو، این نظریه را ولایت مطلقه نام گذاشته‌اند که گاهی ولایت عامه نیز نامیده می‌شود.

محمد جواد ارسطا در مقاله‌ای به بررسی سابقه طرح نظریه ولایت مطلقه فقیه در میان فقه‌های شیعه پرداخته (ارسطا، ۱۳۷۷: ۹۰-۷۲) و در آن از محقق کرکی (م: ۹۴۰ ه‍.ق) به‌عنوان قدیمی‌ترین فقیه‌ی که در آثار خود بطور مستقیم به این مهم اشاره کرده، نام برده است. ارسطا آورده است که محقق کرکی در این مورد می‌نویسد:

«فقه‌های شیعه اتفاق نظر دارند که فقیه عادل امامی مذهب که جامع شرایط فتواست و از او به مجتهد در احکام شرعیه تعبیر می‌شود، از جانب ائمه علیهم‌السلام در زمان غیبت در همه اموری که نیابت بردار است (یا نیابت در آن دخالت دارد) نایب می‌باشد» (حسن، ۱۴۱۲ ه‍.ق ج ۱/ ۱۴۲).

همچنین در دو قرن اخیر نیز می‌توان نگاه اطلاق به ولایت فقیه را در نظرات فقها دنبال کرد. آنجا که ملا احمد نراقی می‌نویسد:

«هر آنچه پیامبر و امام که فرمانروایان مردم و دژهای استوار اسلامند در آن ولایت دارند، فقیه نیز در آن ولایت دارد؛ مگر مواردی که با دلیلی هم‌چون اجماع یا نص یا غیر این دو استثنا شود» (نراقی، ۱۳۷۵: ۵۳۶).

و یا آنجا که میر فتاح مراغی (از فقه‌های معاصر علامه نراقی) در اثبات ولایت مطلقه فقیه هم می‌آورد:

«که یک قاعده کلی اجماع در بین فقها وجود دارد که در هر مقامی که دلیلی بر ولایت غیر حاکم شرع (فقیه جامع الشرایط) وجود ندارد ولایت در آن مورد از آن حاکم شرع است» (حسن، ۱۴۱۲: ج ۱/ ۵۳۸ - ۵۳۶).

و یا مرحوم شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ ه‍.ق)، صاحب جواهر الکلام پس از آن که در کتاب خمس راجع به وجوب دفع سهم امام علیه‌السلام به فقیه جامع الشرایط بحثی را مطرح می‌کند، می‌گوید:

«در هر حال ظاهر از عمل و فتوای فقه‌های شیعه در سایر ابواب فقه این است که آنان قائل به عموم ولایت فقیه بوده‌اند» (صاحب جواهر، ۱۳۸۶: ج ۱۶/ ۱۷۸).

و یا مرحوم سید محمد بحر العلوم (م: ۱۳۲۶ ه‍.ق) می‌نویسد:

«فقها با استناد به ضرورت دلیل عقلی و نقلی قائل به عمومیت ولایت برای فقیه شده‌اند، بلکه نقل اجماع بر ولایت عامه فقیه بیش از حد استفاضه است» (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳ ق: ج ۳/۲۳۴).

یا محقق مامقانی می‌گوید:

«تمام آنچه امام به عنوان ولی امر متولی آن است فقیه نیز در عصر غیبت، تولیت آن را بر عهده خواهد داشت» (مامقانی، ۱۳۲۱ ه‍.ق: ۱۴۲).

آیت الله وحید بهبهانی نیز آورده است:

«به درستی که حکم تمام امور حکومتی و مناصب اختصاصی امام چنین است (مانند نماز جمعه، عیدین قابل تنفیذ و واگذاری به دیگران است)؛ زیرا به جز اندکی امور حکومتی، تصدی همه مناصب از سوی امام امر محال است و چه بسا در موارد استثنایی هم نیازی به تصدی خود امام نباشد، بلکه می‌شود آن موارد اندک نیز توسط نایب یا نمایان ایشان انجام گیرد؛ چون عمل نایب به هر حال دقیقاً عمل منوب عنه محسوب می‌شود» (بهبهانی، ۱۴۲۴ ه‍.ق: ج ۲/۳۵۶).

حاج آقا رضا همدانی نیز معتقد بود:

«در نیابت فقیه جامع الشرایط که شرایط فتوا را جمع کند، چنان که برمی‌آید که در هر باب از امور مسلمین اشکالی وجود ندارد» (همدانی، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر، نیز می‌گوید:

«منصب ولی فقیه همان منصب امام و دست او دست امام است» (نجفی، ۱۳۸۶: ج ۲۲/ ۱۹۵).

علامه شیخ محمد حسین نجفی کاشف الغطا نیز پیرامون ولایت عامه فقیه جامع الشرایط می‌نویسد:

«همانا، فقیه جامع الشرایط، بر همه‌ی شئون عمومی و نیازهای اجتماعی مردم، ولایت دارد.»

آیت الله سید عبدالحسین لاری نیز معتقد است که:

«وظیفه فقیه همانند امام علیه السلام است در سلطنت و ولایت مگر این که دلیلی این وظیفه را از دوش فقیه بر دارد و بر فقیه واجب نباشد. فقیه علاوه بر ولایت و قدرت تصرف بر جمیع جهات، دارای مناصب عدیده‌ای مانند ریاست، خلافت و سلطنت بر مردم همانند پیامبر و ائمه علیهم السلام؛ منصب افتا؛ منصب قضاء؛ امور حسبیه؛ تصدی کارهایی که در زمان حضور امام علیه السلام نیاز به اذن امام دارد، اقامه‌ی حدود و تعزیرات و جهاد با کفار است که همه‌ی آنها را از ائمه معصومین علیهم السلام کسب کرده است» (لاری، ۱۴۱۸ ه‍.ق: ج ۴/ ۱۳۸-۱۵۸).

همچنین آیت‌الله بروجردی در قضیه ساخت مسجد اعظم قم فرمودند:

«ما فقیه را در قدرت و اختیار تالی تلو امام معصوم علیه‌السلام می‌دانیم» (علی‌آبادی، ۱۳۷۸: ۷۸).

ملاحظه می‌شود که بر اساس تصریح بعضی از بزرگ‌ترین فقهای شیعه، ولایت مطلقه یا عامه فقیه از نظریات اتفاقی و یا دست کم، از نظریات مشهور بین فقیهان امامیه می‌باشد و چیزی نیست که از زمان مرحوم امام خمینی رحمت‌الله‌علیه مطرح شده و یا از ولایت فقیه به سطح بالاتر یعنی ولایت مطلقه تحول یافته باشد. چه این که، محقق کرکی که سیصد سال قبل از علامه نراقی می‌زیسته، به مورد اتفاق بودن این نظریه در بین فقهای شیعه تصریح نموده است و این بدان معنی است که قبل از محقق کرکی نیز نه تنها نظریه ولایت مطلقه فقیه در میان فقیهان امامیه مطرح بوده است، بلکه به اندازه‌ای طرفدار و موافق داشته که محقق مزبور آن را مورد اتفاق اصحاب دانسته است.

اما در مورد نظریه مرحوم نائینی و قیاس آن با نظریه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نیز باید گفت نظریه مرحوم نائینی در مورد مشروطیت و حکومت ثانوی و شرایط اضطرار با تفویض ولایت فقیه به رأی مردم بوده چنانکه ایشان معتقد بود:

«حکومت مشروطه، از باب ضرورت و به‌عنوان ثانوی مشروع است؛ زیرا حکومت در مرحله نخست، حق امام معصوم علیه‌السلام و در دوره غیبت، از باب ولایت فقیه یا حربه از آن فقیهانی است که شرائط لازم را دارا باشند، اما اینکه که استبداد حاکم است و حکومت معصوم و فقیه امکان پذیر نیست، مهار ستم و استبداد به قدر امکان از ضروریات دین اسلام است» (نائینی، ۱۳۵۹: ۴۵، ۴۶ و ۵۶).

از این رو مرحوم نائینی و نظریه ایشان بدنبال اثبات نظریه ولایت فقیه و اختیارات آن نبوده که آن را با نظریه ولایت فقیه امام خمینی که بدنبال اثبات ولایت فقه و حدود اختیارات آن است قیاس کنیم. مقام معظم رهبری آیت الله سید علی خامنه‌ای مدظله‌العالی در همین مورد فرمودند:

«ولایت فقیه جزو مسلمات فقه شیعه است. اینکه حالا بعضی نیمه‌سوادها می‌گویند امام «ولایت فقیه» را ابتکار کرد و دیگر علما آن را قبول نداشتند، ناشی از بی‌اطلاعی است. کسی که با کلمات فقها آشناست می‌داند که مسأله «ولایت فقیه» جزو چیزهای روشن و واضح در فقه شیعه است. کاری که امام کرد این بود که توانست این فکر را با توجه به آفاق جدید و عظیمی که دنیای امروز و سیاست‌های امروز و مکتب‌های امروز دارند، مدون کند و آن را ریشه‌دار و مستحکم و مستدل و باکیفیت سازد، به شکلی در بیاورد که برای هر انسان صاحب نظری که با مسایل سیاسی روز و مکاتب سیاسی روز هم آشناست، قابل فهم و قابل قبول باشد» (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۳/۱۴).

۵. نتیجه‌گیری

شواهد متعدد تاریخی نشان می‌دهد که بحث طرح نظریه ولایت فقیه، فعلی متأخر و مربوط به امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نیست، بلکه همواره در بین سطور اندیشه سیاسی شیعه و کلام و نوشته فقه‌های شیعی مطرح بوده. مادر دو قرن اخیر (با توجه به موضوع مقاله) مورد توجه جدی فقه‌ها قرار گرفته تا جایی که اصطلاح ولایت فقیه ابداع شده و رساله‌های متعددی در مورد آن نگاشته شده و همواره مورد بحث و بررسی بوده. تا جایی که ورود فقه‌های شیعی در مهم‌ترین تحولات سیاسی دو قرن اخیر مثل قیام تنباکو و نهضت مشروطه مستقیم و غیر مستقیم مرتبط با برداشت ایشان از حق اعمال ولایت توسط فقه‌ها بوده است.

همچنین، توجه به نظریه‌ی ولایت فقیه صرفاً در آثار علمی و نظری مطرح نبوده و حداقل دو عالم فقیه آیت الله عبدالحسین لاری و علامه سید محمد باقر شفتی پا در عرصه عملی کردن نظریه ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه گذاشته‌اند. از این‌رو تشکیل حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه نیز پیش از امام خمینی رحمت‌الله‌علیه سابقه داشته است.

نظریه‌ی ولایت فقیه هیچ‌گاه تحول خاصی به نظریه متفاوتی بنام ولایت مطلقه فقه‌ها نیافته است. اطلاق در این اصطلاح از بحث فقهی در مورد گستره مقید یا مطلق بودن اختیار ولی فقیه در علم فقه سرچشمه می‌گیرد. این اصطلاح که از ابداعات دو قرن اخیر و بدست مرحوم نراقی است، بر همان مفهوم قدیمی و سنتی ولایت عامه فقیه جامع الشرایط اطلاق دارد و می‌توان رد آنرا در آثار محقق کرکی نیز مشاهده نمود. نظریه مرحوم نائینی نیز موضوعیتی متفاوت با نظریه ولایت فقه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه دارد و قیاس این دو با هم در حکم قیاس مع الفارق است. چه اینکه مرحوم نائینی نیز در همان تنبیه الامه و تنزیه المله به اصالت ولایت فقیه اشاره دارد و نظریه خود را بر مبنای اضطراب و حکم ثانوی مطرح می‌کند.

در جمع بندی به نظر می‌رسد این نوع سخنان از سوی جریان سیاسی واحد با اهداف خاص مطرح و تبلیغ می‌شود. علی‌رغم پاس‌خگویی علمی و تاریخی فراوان و ناتوانی در دفاع از ادعای نادرست هم‌چنان به تکرار و طرح آن اصرار می‌ورزند. از این‌رو این نوع ادعاها از لحاظ علمی و تاریخی دارای اعتبار نبوده و نیت طرح آن‌را باید به اغراض سیاسی افراد نسبت داد.

منابع

- آل بحر العلوم، السید محمد (۱۴۰۳ ق). بلغه الفقیه . ج ۳، چ چهارم، تهران: مکتبه الصادق (ع)
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۸۴). الفردوس الاعلی. قم: انوار الهدی
- ابوطالبی، مهدی، «سیر تکاملی اعمال ولایت فقهی در تاریخ معاصر ایران»، مجله حکومت اسلامی، سال هجدهم، شماره دوم، پیاپی ۶۸، تابستان ۹۲
- احمدی، شرفی، ایزدیناه، صالحی، نجفی، «چشم و چراغ مرجعیت: مصاحبه های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی»، بوستان کتاب قم، زیر نظر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سال نشر: ۱۳۸۸
- ارسطا، محمدجواد، «مفهوم اطلاق در ولایت مطلقه فقیه»، علوم سیاسی، ۱۳۷۷.
- اصفهانی، محمدحسین (بی تا). حاشیه کتاب المکاسب. قم، مکتبه البصیرتی
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰ ق). المکاسب، ج ۲، قم: مجمع فکر الاسلامی
- الانصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۱ ق). المکاسب. ج ۲، قم: احسن الحديث
- باغستانی، فواد ابراهیم محمد (۱۳۸۰). «گذری بر اندیشه سیاسی شیعه- ولایت فقیه در عصر قاجاریه»، مجله فقه، شماره ۲۷ و ۲۸.
- بشیری، احمد (۱۳۳۱ ق). کتاب آبی، نشریه وزارت امور خارجه انگلستان. ج ۱، تهران: نشر نو
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۷ ق). حاشیه مجمع الفائدة و البرهان. ج ۱، قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی
- بهبهانی، محمدباقر (۱۴۲۴ ق). مصابیح الظلام فی الشرح مفاتیح الشرایع. ج ۱، ۳، ۱۰ و ۱۱، قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی
- پارسا، فروغ (۱۳۹۳). «سید محمدباقر شفتی و دخالت در حکومت بر اساس نظریه نیابت فقهی از امام زمان (ع)»، جستارهای تاریخی فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۲)، رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات و روزنامه شیخ فضل الله نوری. ج ۱، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
- تنکابنی، محمد بن سلیمان (۱۳۶۸). قصص العلماء. تهران: علمیه اسلامیة
- جمالزاده، ناصر و موحدیان، میلاد و یاسمی، علی (۱۳۹۸). «گستره ولایت فقهی در اندیشه و عمل سیاسی محقق کرکی»، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار.
- حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۷ ش). نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران. تهران: امیرکبیر
- حسون، محمد (۱۴۱۲). رسائل المحقق کرکی. ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی
- حسون، محمد (۱۴۰۹ ق = ۱۳۶۷). رسائل المحقق کرکی. ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی
- حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، (۱۴۲۱ ق). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة. ج، قم: نشر اسلامی
- حسینیان، سید حامد، «آیت الله بروجردی و سیاست»، دانش پژوهان، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ق). السرائر النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. ج ۲، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- خامنه ای، سید علی، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴
- خراسانی (آخوند)، محمدکاظم (۱۴۰۶ ق). حاشیه کتاب المکاسب. تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی

درخشه، جلال؛ کاظمی، سیدمحمدصادق، «تحلیل قدرت در اندیشه سیاسی آیت الله میرزای شیرازی»، نشریه دانش سیاسی، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
دوانی، علی(۱۳۷۷). نهضت روحانیون ایران. ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
رحمان ستایش، محمدکاظم و مهریزی، مهدی «دوازده رساله ولایت فقیه»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دهم شماره ۳، پیاپی ۳۷، پاییز ۱۳۸۴
رکن زاده آدمیت، محمد حسین(۱۳۵۷). فارس و جنگ بین الملل. تهران: اقبال
روزنامه آرمان امروز، «پیرامون مجلس خبرگان رهبری و ریشه و سابقه ولایت فقیه»، شماره ۲۹۳۵، ۱۳۹۴/۱۰/۶

روزنامه جمهوری اسلامی، «به مناسبت سالروز همه پرسی تأیید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به بهانه ی نقد نگاه کلی آیت الله مصباح یزدی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳ آذر ماه ۹۱

سفیری، فلوریدا(۱۳۶۳ش). پلیس جنوب ایران. تهران: نشر تاریخ ایران
سیدجواد، احمد (۱۳۹۱). دائرةالمعارف تشیع. ج ۱، ۴، تهران: مؤسسه ی انتشارات حکمت
شفقی گیلانی، سید محمدباقر(۱۴۲۷ ق). مقاله فی تحقیق إقامة الحدود فی هذه الأعصار. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
شفقی گیلانی، سید محمدباقر(۱۴۰۹ ق). مطالع الانوار فی شرح شرایع الاسلام. اصفهان: کتابخانه مسجد سید

شیخ مفید، محمد(۱۴۱۰ ق). المقنعه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی
شیرودی، مرتضی (۱۳۸۳ش). اندیشه سیاسی مسلمانان. ج ۱، قم: یاقوت
الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم(۱۳۷۰ش). حاشیه مکاسب. ج ۴، ۱، قم: اسماعیلیان
علی آبادی، محمد (۱۳۷۸). الگوی زعامت. قم: نشر عصمت
فصلنامه کتاب نقد، «مصاحبه با دکتر ساشادینا»، شماره های ۳ و ۲ بهار و تابستان ۷۶
قراملکی، محمدحسن قدردان، «نظارت یا ولایت فقیه از منظر فقیهان معاصر و امام خمینی» چکیده مقالات کنگره امام خمینی(س) و اندیشه حکومت اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.

کیهان اندیشه، «اندیشه جهاد اسلامی در آثار سید عبدالحسین لاری»، شماره ۱۹ لاری، سیدعبدالحسین(۱۴۱۸ ق). التعليقه علی المکاسب. ج ۱، ۴، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه
مامقانی، محمد حسن(۱۳۲۱ ق). هدایه الانام فی حکم اموال الامام. (بی جا): مشهدی اسد آقا
مجلسی، محمد باقر(۱۳۸۹). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه
مدرس تبریزی، محمدعلی(۱۳۶۹ ش) ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، تهران. کتابفروشی خیام، چاپ: سوم.

مقیمی حاجی، ابوالقاسم، «دلایل عقلی ولایت فقیه از نگاه آیت الله العظمی بروجردی و امام خمینی»، نشریه حضور، شماره ۵۴، ۱۳۸۴
منتظری، حسینعلی(۱۳۶۲). البدر الزاهر فی الصلاه الجمعه و المسافر. ج ۲، قم: نگین
میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن(۱۳۷۱). جامع الشتات. ج ۱، تهران: کیهان

- ميرشريفی، سيدعلی (۱۳۸۲). برگهای بی‌خزان. ج ۱، قم: دليل ما
- نائینی، محمد حسين (۱۳۵۹). تنبيه الامه و تنزيه المله. تهران: شرکت سهامی انتشار
- نائینی، ميرزا محمد حسين (۱۳۸۲). تنبيه الامه و تنزيه المله. ج ۱، قم: مؤسسه بوستان کتاب
- نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن (۱۳۸۶). جواهر الکلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهلبیت
- نجفی، محمد حسن بن باقر (صاحب جواهر)، (۱۳۸۶). جواهر الکلام. ج ۱۶، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل البيت (ع)
- نراقی، ملا احمد (۱۴۰۸ ق = ۱۳۶۶). عوائد الايام. قم: بصیرتی
- نراقی، ملا احمد (۱۳۷۵ ش). عوائد الايام. قم: دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم
- نرگسی، رضا رمضان، «اندیشه و منش سیاسی - اجتماعی آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی»، حکومت اسلامی شماره ۲۹، ۱۳۸۲
- همدانی، رضا (۱۳۷۶ ش). مصباح الفقيه. قم: المؤسسة الجعفرية لإحياء التراث
- یزدی، السيد محمد کاظم طباطبایی (۱۳۷۸). تکملة العروة الوثقى. ج ۱، ۲، تهران: مطبعة الحيدري
- یزدی، سيد محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق). العروة الوثقى. ج ۲، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات



Research Article

Suspicion of inventing the absolute authority of the jurist by Imam Khomeini, may God have mercy on him, with a look at the thought of Shia jurists in the last two centuries

Seyyed Mohammad Mehdi Purizdanparast¹

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

Abstract

One of today's suspicions is the general rumor that Imam Khomeini, may God's mercy be upon him, invented the theory of the absolute authority of the jurist, which is promoted and propagated by figures of a certain political trend. Due to its originality, this idea provoked many reactions. And several articles were published in newspapers and scientific articles in response to this opinion. But it seems that despite the similarities, the other materials did not have a basic and detailed focus on the historical history of the theory of religious authority. This article tries to examine different opinions about the invention of the absolute authority of the jurist by Imam Khomeini, may God bless him and grant him peace, to test this idea in a scientific and historical test and find out whether it is correct or incorrect. Therefore, after presenting the opinions of the designers and propagandists of this idea, it examines the historical theoretical and practical background in the field of religious authority in the thought of Shiite jurists in the last two centuries. Then, by examining the available evidence and data, he evaluates the validity of this claim.

Keywords: the absolute sovereignty of the jurist, Imam Khomeini, may God bless him and grant him peace, Shia jurists, contemporary era.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Purizdanparast, Seyyed Mohammad Mehdi(Winter 2025). "Suspicion of inventing the absolute authority of the jurist by Imam Khomeini, may God have mercy on him, with a look at the thought of Shia jurists in the last two centuries". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 7, Num. 4, S.No. 28, pp. 43- 72.

¹. PhD student of Shiite history, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Religions and Religions, Qom, Iran. Email: smmpyp@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Al-Bahrul-Uloom, Sayyid Muhammad (1403 AH). *Bilgha al-Faqih*. Volume 3, Chapter 4, Tehran: Al-Sadegh School
- Al-Kashif al-Ghita, Mohammad Hossein (1384). *Al-Firdous Al-Ala Qom: Anwar Al-Hadi*
- Abutalebi, Mahdi, "Evolutionary course of the jurisprudence of jurisprudence in the contemporary history of Iran", *Islamic Government Magazine*, 18th year, number 2, serial 68, summer 92. (In Persian)
- Ahmadi, Sharfi, Izadpanah, Salehi, Najafi, "The Eye and Light of Authority: Special Interviews of Hoza magazine with Ayatollah Borujerdi's Students", Qom Book Park, under the supervision of Research Institute of Islamic Sciences and Culture, year of publication: 2008. (In Persian)
- Aristo, Mohammad Javad, "The concept of application in the absolute authority of the jurist", *Political Science*, 2017. (In Persian)
- Esfahani, Mohammad Hossein (B.A.). *Margin of the book of al-Makasab*. Al-Basirati School, Qom. (In Persian)
- Al-Ansari, Sheikh Morteza (1421 AH). *The gains Volume 2*, Qom: Ahsan al-Hadith
- Baghestani, Fawad Ebrahim Mohammad (1380). "A passage on the political thought of Shi'a-wilayat al-faqih in the Qajar era", *Jurisprudence magazine*, numbers 27 and 28.
- Bashiri, Ahmad (1331 AH). *The Blue Book*, British Foreign Office publication. Volume 1, Tehran: New Publication. (In Persian)
- Behbahani, Muhammad Baqir bin Muhammad Akmal. (1417 AH). *Margin of Al-Fedat and Al-Burhan Assembly*. Ch 1, Qom: Al-Alama Al-Mujdad Al-Wahed Al-Bahbahani Institute. (In Persian)
- Behbahani, Mohammad Bagher (1424 AH). *Masabih al-Musabah fi al-Sharh Mofatih al-Sharia*. Volumes 1, 3, 10 and 11, Qom: Allameh Vahid Behbahani Institute. (In Persian)
- Parsa, Forough (2013). "Sayed Mohammad Bagher Shafte and interference in the government based on the theory of jurists' proxies from Imam Zaman (AS)", *historical and cultural essays*, fifth year, second issue, fall and winter. (In Persian)
- Turkman, Muhammad (1362), letters, announcements, letters and newspaper of Sheikh Fazlullah Nouri. Ch1, Vol1, Tehran: Rasa Cultural Services Institute. (In Persian)
- Tankabani, Muhammad bin Suleiman (1368). *Stories of scholars*. Tehran: Islamic University. (In Persian)
- Jamalzadeh, Naser and Mohedian, Milad and Yasmi, Ali (2018). "The scope of the jurists' authority in the political thought and practice of Mohagheg Karki", *Islamic Revolution Approach*, 13th year, number 46, spring.
- Haeri, Abdul Hadi, (1367). *The first confrontations of Iranian thinkers*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Hassoun, Muhammad (1412). *Letters of al-Muhaqq Karki*. Volume 1, Qom: Ayatollah Azami Marashi Library. (In Persian)

- Hassoun, Muhammad (1409 AH, = 1367). *Al-Muhaqq Karki's Letters*, vol. 1, Qom: Ayatollah Azami Marashi Library. (In Persian)
- Hosseini Ameli, Seyyed Mohammad Javad, (1421 AH). C, Qom: Islamic Publishing House
- Hosseinian, Seyyed Hamed, "Ayatollah Boroujerdi and Politics", *Danesh Pohan*, No. 4, Autumn and Winter 2013. (In Persian)
- Hali, Ibn Idris (1410). Chapter 2, Volume 3, Qom: Islamic Publications Office
- Khamenei, Seyyed Ali, *Friday prayer sermons in Tehran*, 03/14/2018
- Khorasani (Makhund), Mohammad Kazem (1406 AH). *Margin of Al-Makasab book*. Tehran: Publications of the Ministry of Islamic Guidance
- shine, glory; Kazemi, Seyyed Mohammad Sadegh, "Analysis of power in the political thought of Ayatollah Mirzai Shirazi", *Danesh Political Science*, No. 24, Autumn and Winter 2015
- Devani, Ali (1377). *Movement of Iranian clerics*. Volume 2, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
- Rahman Sataish, Mohammad Kazem and Mehrizi, Mehdi "Twelve treatises on the authority of the Faqih", *Islamic Government Quarterly*, Year 10, Number 3, Series 37, Fall 2014. (In Persian)
- Roknzadeh Adami, Mohammad Hossein (1357). *Fars and the international war*. Tehran: Iqbal. (In Persian)
- Arman newspaper today, "Regarding the Council of Leadership Experts and the Roots and History of Velayat Faqih", No. 2935, 10/6/2014. (In Persian)
- Jumohri-e-Islami newspaper, "On the occasion of the anniversary of the referendum approving the Constitution of the Islamic Republic of Iran and on the pretext of criticizing the general view of Ayatollah Misbah Yazdi on the Constitution of the Islamic Republic of Iran", 13 Azar, 2011
- Safiri, Florida (1363). *Police in southern Iran*. Tehran: Publication of Tarikh Iran. (In Persian)
- Seyedjavadi, Ahmed (2011). *Encyclopaedia of Shiism*. Ch 1, Vol 4, Tehran: Hikmat Publishing House. (In Persian)
- Shafti Gilani, Seyyed Mohammad Bagher (1427 AH). An article on the investigation of establishing the boundaries in these ages. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Faculty of Science. (In Persian)
- Shafti Gilani, Seyyed Mohammad Bagher (1409 AH). *The study of Al-Anwar in the explanation of the laws of Islam*. Isfahan: Sayed Mosque Library
- Sheikh Mofid, Muhammad (1410 AH). *Al-Maqqah* Qom: Al-Nashar al-Islami.
- Shiroudi, Morteza (1383). *Muslim political thought*. Volume 1, Qom: Yakut
- Tabatabai Elizadi, Sayyid Mohammad Kazem (1370). *profit margin Chapter 4*, Volume 1, Qom: Ismailian. (In Persian)
- Aliabadi, Muhammad (1378). *Model of leadership*. Qom: Esmet Publishing House. (In Persian)
- Book review quarterly, "Interview with Dr. Sashadina", numbers 2 and 3 spring and summer 76. (In Persian)
- Qaramalki, Mohammad Hassan Qadradan, "Supervision or Velayat Faqih from the point of view of contemporary jurists and Imam Khomeini",

- abstract of the articles of the Congress of Imam Khomeini (pbuh) and the Thought of Islamic Government, Imam Khomeini (pbuh) Editing and Publishing Institute, 1378. (In Persian)
- Keihan Andisheh, "Islamic jihad thought in the works of Seyyed Abdul Hossein Lari", number 19. (In Persian)
- Lari, Seyyed Abdul Hossein (1418 AH). *Al-Taliqah Ali Al-Makasab*. Q1, Vol.4, Qom: Islamic Encyclopaedia Institute. (In Persian)
- Mamqani, Mohammad Hassan (1321 AD). *Alanam gift according to Imam's property*. (out of place): Mr. Mashhad Asad. (In Persian)
- Majlesi, Mohammad Baqir (2009). *The mirror of the minds in the description of the news of the Prophet*. Volume 4, Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiya
- Modares Tabrizi, Mohammad Ali (1369), Tehran. Khayyam bookstore, third edition. (In Persian)
- Moghimhi Haji, Abulqasem, "The rational reasons for the authority of the jurist from the point of view of Ayatollah Azami Borujerdi and Imam Khomeini", *Hozur* magazine, number 54, 1384. (In Persian)
- Montazeri, Hossein Ali (1362). *Al-Badr al-Zahir fi al-salah al-Juma and al-Masfar*. Q2, Qom: Negin. (In Persian)
- Mirzai Qomi, Abul Qasim bin Muhammad Hasan (1371). *Jame Al Shatt* Volume 1, Tehran: Keihan. (In Persian)
- Mirsharifi, Seyyed Ali (1382). *The leaves are empty*. Ch 1, Qom: Our reason
- Naini, Mohammad Hossein (1359). *Punishment of the nation and punishment of the nation*. Tehran: Publishing Company. (In Persian)
- Naini, Mirza Mohammad Hossein, (1382). *Punishment of the nation and reconciliation of the nation*. Ch 1, Qom: Bostan Kitab Institute
- Najafi (Jewellery owner), Mohammad Hassan (2016). *Jawaharlal Kalam* Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia foundation on the Ahl al-Bayt religion. (In Persian)
- Najafi, Mohammad Hassan bin Baqir (owner of the jewel), (1386). *Jawaharlal Kalam* Volume 16, Qom: Foundation of Islamic jurisprudence encyclopedia on the religion of Ahl al-Bayt (AS) . (In Persian)
- Naraghi, Mulla Ahmed (1408 AH = 1366). *The profits of the days*. Qom: Your insight. (In Persian)
- Naraghi, Mullah Ahmed (1375). *The benefits of days*. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (In Persian)
- Nargassi, Reza Ramadan, "Social-Political Thought and Character of Ayatollah Syed Mohammad Kazem Tabatabayi Yazidi", *Islamic Government* No. 29, 1382. (In Persian)
- Hamdani, Reza (1376). *Misbah al-Faqih*. Qom: Al-Jaafari Institute for Revival of Tradition. (In Persian)
- Yazidi, Sayyid Mohammad Kazem Tabatabayi (1378). *The continuation of al-Urwa al-Wathqi*. Chapter 1, Volume 2, Tehran: Al-Haidari Press. (In Persian)
- Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem, (1409 AH). *Al-Arwa al-Wathqi*. 2, Beirut: Al-Alami Institute of Press. (In Persian)

